

پیش‌خوان

آیت‌الله سیدمحمود طالقانی در دوران اوج‌گیری انقلاب اسلامی

مردی که کوله‌بار ۴ دهه مبارزه را بر دوش داشت

■ **محمدرضا کاینی**



پرداخته است. این مجموعه توسط میرزا باقر علیان نژاد تدوین یافته و انتشارات سوره مهر آن را منتشر کرده است.
تدوینگر در بخشی از دیباچه خویش بر این پژوهش آورده‌است:

«آیت‌الله طالقانی همپای تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه به پیش می‌رفت و متناسب با جریانات و وقایع روز و آکنش‌های لازم را از خود بروز می‌داد. چه در دوره ملی شدن صنعت نفت و چه در دوره کودتای امریکایی – انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و چه در ماجرای referendum انقلاب‌سفید. او در دوره آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی از خود توانمندی‌هایی نشان داد که در نهایت منجر به دستگیری و محکومیت ۱۰ ساله‌اش شد. آیت‌الله طالقانی بارها در دوران رژیم پهلوی به زندان افتاد، ولی همواره نگاهش را از هدفی که در برابر داشت، برنگرفت و استوار ماند. نقش آیت‌الله طالقانی در انقلاب اسلامی پس از آزادی‌اش از زندان ۸ آبان ۱۳۵۷ نمایان تر می‌شود. او رهبری انقلابیون و اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های خود به بازتاب دیدگاه‌های امام خمینی و رهبری انقلاب اسلامی می‌پردازد، که در آن مقطع در نوفل‌لوشاتو به سر می‌برد. این رفتار آیت‌الله طالقانی، وحدت‌نظر در میان رهبران نهضت را نشان می‌داد و پس از بازگشت امام خمینی به ایران نیز همین روند را ادامه داد. او با حکم امام خمینی به عضویت شورای انقلاب اسلامی درآمد و پس از



▼ **زنده یاد آیت‌الله سیدمحمود طالقانی**

پیروزی انقلاب نیز ابتدا به نمایندگی از سوی مردم تهران در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی انتخاب شد و سپس از جانب امام خمینی، امامت‌جمعه پایتخت را برعهده گرفت. آیت‌الله طالقانی به‌رغم ارتباطات گسترده‌ای که با گروه‌های سیاسی مبارز در زمان شاه داشت و این ارتباط را تا آستانه انقلاب حفظ کرده بود، اما پس‌رای دوری از تعلقات گروهی ارتباطش را با گروه‌های سیاسی قطع کرد تا نقش هدایت و رهبری انقلاب در غیاب امام خمینی را به درستی برعهده داشته باشد. دیدگاه‌های آیت‌الله طالقانی در دو مقطع پیش و پس از پیروزی انقلاب که در این کتاب بدان توجه شده است بیانگر روح‌اندیشی و ذکاوت آن نیرومد سالخورده‌ای است که در کوران مبارزات جان و روح خود را صیقل داده بود تا در بزنگاه تاریخی ایران، نقشی اثرگذار را ایفا کند.

با نگاهی گذرا به مسیر مبارزات آیت‌الله طالقانی در می‌پایم که دوره اوج این مبارزات از ۸ آبان تا ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ است. در این دوره زمانی کوتاه آیت‌الله طالقانی با پیش از ۶۰ اعلامیه، پیام، سخنرانی، مصاحبه… در پشتیبان اهداف انقلاب اسلامی نقش مؤثری ایفا کرد. از نکات قابل توجه اینک به توجه با لغو سانسور در نشریات ایران اکثر این اقدامات آیت‌الله طالقانی در نشریات انعکاس فراوان یافت و مردم انقلابی در سراسر کشور را هدایت کرد. با توجه به اهمیت اقدامات آیت‌الله طالقانی در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، برآن شدیم ضمن جمع‌آوری این مطالب، آنها را به همراه روزشماری تفصیلی از زندگانی ایشان منتشر کنیم. کتاب حاضر در سه بخش اصلی با یادداشت‌برداری از بیش از ۱۲۰ عنوان کتاب و ۵۰ عنوان نشریه و استفاده از آرشیو برخی مؤسسات پژوهشی تدوین شده است. در بخش اول کتاب روزشماری تفصیلی زندگانی آیت‌الله طالقانی ارائه شده‌است. در این روزشمار به زندگی و مبارزات آیت‌الله طالقانی از تولد تا رحلت پرداخته شده است. بخش دوم کتاب اختصاص به فعالیت‌های مبارزاتی آیت‌الله طالقانی در قالب: اعلامیه، پیام، سخنرانی، مصاحبه… در دوره زمانی ۸ آبان، ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ دارد. در ابتدای هر ماه نیز روزشماری از حوادث انقلاب ارائه شده است تا خواننده با تحولات انقلاب اسلامی در دوره‌ای که آیت‌الله فعالیت داشته‌اند، آشنا شود. علاوه بر این برای برخی مقالات، گویاسازی در باورقی انجام شده است. بخش سوم کتاب نیز شامل برخی تصاویر ایشان در ادوار گوناگون حیات است…»



جستارهایی در سیره اجتماعی و سیاسی زنده‌یاد آیت‌الله حاج شیخ نصرالله شاه آبادی

استاد زاده امام

یاور جذاب و مهربان نظام اسلامی

■ **احمدرضا صدری**

روزهایی که بر ما می‌گذرد، تداعی گر چهارمین سالروز رحلت عالم عامل، زنده ی‌یاد آیت‌الله حاج شیخ نصرالله شاه‌آبادی است. هم از این روی و در نکوداشت کارنامه آن روحانی خدوم، جلوه‌هایی از سیره وی را در آینه روایت چهار تن از معاشراش جست‌ایم. امید آنکه تاریخ پره‌وان معاصر و عوم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **یک روحانی که محبوب همه بود**

آیت‌الله سیدمحمدهم‌غروی از مدرسین حوزه علمیه قم و مرادوان دیرین زنده یاد آیت‌الله حاج شیخ نصرالله شاه‌آبادی است. وی یکی از رموز موفقیت آن مرحوم را در خود راه مراده صمیمی و مشکل گشا با مردم می‌داند و بر این باور است که وجود این فصلت در آن بزرگ، برای او محیوبیتی گسترده را رقم زد، مکتبی که شمه‌ای از آن، در مراسمات تشییع و ترحیم وی عیان گشت: «از ویژگی‌های مهم آیت‌الله حاج آقانصرالله شاه‌آبادی، ارتباطات وسیع و گسترده مردمی آن بزرگوار بود. نوع خدمات ایشان، زینارذ همگان بود. اگر کسی به ایشان مراجعه می‌کرد و درخواستی داشت، ایشان تا آنجایی که می‌توانست، مشکلاتش را حل و فصل می‌کرد. اگر کاری از دستش برمی‌آمد، حتما انجام می‌داد. در تهران و مشهد، در مانگاهی تأسیس کرد و حتی وقتی به قم آمد و شرایط جسمی‌اش ایجاب نمی‌کرد که به صورت حضوری به امور آنها رسیدگی کند، به هر صورت ممکن، پیگیر مشکلات آنها بود و به مراکز تحت امر خود اشراف داشت. در قم غیر از امور علمی و درس و بحثی که داشت، ارتباط‌های خاصی با طلبه‌ها و علمای حوزه برقرار می‌کرد، کم‌البتکه ارتباط مردمی ایشان در قم بسیار گسترده بود. پیش‌تر در دوران دفاع مقدس هم در پشت جبهه خدمات فراوانی انجام داد و خاطرهم هست که مرحوم تیمسار ظهیرنژاد، با

حجت‌الاسلام

حجت‌الاسلام سید حسین کشفی: «**مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی، به انقلاب اسلامی، حضرت امام و مقام معظم رهبری عشق می‌ورزید و به حمایت از آنان تا آخر حیات پایبند بود.** البته در روش سیاسی ایشان، اصل جذب حداکثری و دفع حداقلی، ظهور و بروز زیادی داشت. با اینکه عاشق مقام امام بودند، بر خور دشان با مخالفین انقلاب به نحوی بود که آنان را جذب انقلاب می‌کرد و لذا در اعلامیه‌ای که در اوج انقلاب توسط ایشان تنظیم شده است و علما و روحانیت تهران آن را امضا کرده‌اند، نام افرادی را می‌بینیم که در سایر اعلامیه‌ها موجود نیست…»

تاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷

▼ **آیت‌الله حاج شیخ نصرالله شاه‌آبادی در گفت‌وگو با رهبر معظم انقلاب اسلامی**

آوردند، ایشان نتواند در حد مقدور، از این ارتباط برای معرفی امام به حوزه این شهر استفاده کند. از سوی دیگر حضرت امام، برای آقای شاه‌آبادی احترام قائل بودند، چون فرزند و یادگار استادشان حضرت آیت‌الله العظمی حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی به‌شمار می‌رفت. استادی که امام به او عشق می‌ورزید و علاقه شدید و مفراطی به او داشت به نحوی که هر جا نام مرحوم شاه‌آبادی را نقل کرده کلمه (روحی فداه) را به دنباله‌اش ذکر کرده است، طبعاً نسبت به فرزندان ایشان نیز علاقه‌مند بود. وقتی که حضرت امام به نجف تبعید شدند، آیت‌الله حاج آقا نصرالله شاه‌آبادی به درس ایشان رفتند و این خیلی برای نجفی‌ها مسئله بود، که چه افرادی به درس امام می‌روند؟ یک عده از فضلای حوزه مثل: آقای شاه‌آبادی، آقای سیدعباس خاتم‌یزدی، آقای شیخ حسین راستی کاشانی، آقای شیخ غلامرضا رضوانی، آقای شیخ ابراهیم جناتی در درس امام حاضر شدند و از آن جانب‌داری کردند. رابطه نزدیک آقای شاه‌آبادی با حضرت امام موجب شده بود که در حتی‌الامکان جلوی برخی از تضادهایی که به‌دخواهان می‌خواستند ایجاد کنند گرفته شود، گر چه نتوانستند به طور کامل خواست خود را عملی کنند. علاوه بر این نفوذ ایشان در حوزه نجف، در موارد دیگری هم به کار آمد. آقای شاه‌آبادی در حوزه علمیه قم و نجف، نه تنها برای ایرانیان بلکه حتی برای غیر ایرانیان دفاع می‌کرد، کما اینکه در زمان حیات حضرت امام هم همین‌طور بود. نسبت به مقام معظم رهبری هم بسیار متواضع بود و در هر شش‌ریبطی از ایشان حمایت می‌کرد. اینکه به مجلس خبرگان رهبری وارد شد و پیشنه‌هاد برخی دوستان را پذیرفت به همین خاطر بود که واقعاً پایبند به انقلاب و نظام بود…»

▼ **آیت‌الله سیدمحمد غروی:** «**آیت‌الله شاه‌آبادی در دوران نهضت امام خمینی، فعالیت‌های ارزنده و گسترده‌ای داشت. پس از آن هم دربرازه حفظ انقلاب و نظام، هیچ‌گاه کوتاه نمی‌آمد.**

با این همه هیچ‌گاه هم سعی نمی‌کرد که جهت‌گیری گروهی داشته باشد. آنچه نظر واقعی خودش بود را ابراز و از آن دفاع می‌کرد، کما اینکه در زمان حیات حضرت امام هم همین‌طور بود. نسبت به مقام معظم رهبری هم بسیار متواضع بود و در هر شش‌ریبطی از ایشان حمایت می‌کرد.

اینکه به مجلس خبرگان رهبری وارد شد و پیشنه‌هاد برخی دوستان را پذیرفت به همین خاطر بود که واقعاً پایبند به انقلاب و نظام بود…»

ایشان مرتبط بود و ارتباط گرمی با هم داشتند. یکی از خصوصیات مرحوم شاه‌آبادی که به نظر من خیلی شاخص بود، پرچا‌به بودن ایشان است. یک وقتی با یکی از دوستان، صحبتی درباره ایشان به میان آمد. بنده در آنجا این نکته را گفتم: من با اینکه خیلی از بزرگان را دیدم که از ارتباط گسترده مردمی داشتند، اما کسی را مانند ایشان سراغ ندارم که محبوب همه بوده باشد. در این مسئله هم هیچ خط قرمزی را ملاظه نمی‌کرد و همه به این ویژگی ایشان واقف بودند. هم انقلابی‌های گذشته و جدید با ایشان ارتباط داشتند و هم کسانی که به نوعی بی‌طرف بودند!قوم و گاهی کسانی که مخالف انقلاب بودند و با خط و مشی حضرت امام مخالفت می‌کردند، به مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی ارادت خاصی داشتند! این مسئله برای من تعجب‌آور بود. گاهی که به دیدار ایشان می‌رفتم، می‌دیدم که با افراد مختلفی جلسه و دیدار دارد. هر کجا هم که می‌رفت سعی می‌کرد به مشکلات همه رسیدگی کند. بدون اینکه ایشان حالت مریدپروری را از خودش هرز بدهد، همگی مریدش می‌شدند!قوم و خویش‌های ایشان از هر طیف و قشری بودند. بعضی‌ها انقلابی بودند و بعضی‌ها غیرانقلابی! با این حال همه ایشان را دوست داشتند. هر از گاهی جلسات فامیلی بر پا می‌کردند و ماهی یک بار بزرگاری می‌شد. بعضی از جلسات را شرکت می‌کردم و می‌دیدم که محور آنها خود ایشان است. به همین خاطر همه دوستان مرحوم آیت‌الله حاج سیدمهدی روحانی، مجذوب ایشان شدند و به ایشان ارادت داشتند. همان‌طور که عرض کردم، ملجأ مردم بی‌پناه و نیازمند بود. گاهی دیده می‌شد که هم شساک‌ی هم متهم هر دو از ایشان توصیه‌نامه داشتند! البته این طور نبود که چیزی بنویسد که حتی ناحق بشود، اما وقتی کسی نزد ایشان می‌آمد و انتظاری داشت، سعی می‌کرد انتظارش را برآورده کند و تا آنجا که می‌توانست، برای رفع مشکلات اقدام می‌کرد. این مسئله در حدی بود

▼ **او همزه وصل بیوت مراجع بود**

▼ **او همزه وصل بیوت مراجع بود**

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین معزی، یکی از جلوه‌های توفیق آیت‌الله شاه‌آبادی را تلاش وی برای نزدیک ساختن بخش‌های مختلف روحانیت، حوزه‌های علمیه و بیوت مرجعیت به یکدیگر می‌داند و بر این باور است که وی با رفتار خویش، زمینه اختلافات را کم‌رنگ می‌کرد و بستر تعامل و همگرایی را مهیا می‌ساخت. وی با اتکا به مشاهدات خویش از دوران حضور در حوزه علمیه نجف، چنین می‌گوید: «تباط نزدیک آیت‌الله شاه‌آبادی با اعلام حوزه نجف، به نحوی بود که می‌توان گفت: ایشان همزه وصل بیوت علما و مراجع بود. همین موجب شد که وقتی حضرت امام (رضوان‌الله تعالی علیه) به نجف تشریف

آوردند، ایشان نتواند در حد مقدور، از این ارتباط برای معرفی امام به حوزه این شهر استفاده کند. از سوی دیگر حضرت امام، برای آقای شاه‌آبادی احترام قائل بودند، چون فرزند و یادگار استادشان حضرت آیت‌الله العظمی حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی به‌شمار می‌رفت. استادی که امام به او عشق می‌ورزید و علاقه شدید و مفراطی به او داشت به نحوی که هر جا نام مرحوم شاه‌آبادی را نقل کرده کلمه (روحی فداه) را به دنباله‌اش ذکر کرده است، طبعاً نسبت به فرزندان ایشان نیز علاقه‌مند بود. وقتی که حضرت امام به نجف تبعید شدند، آیت‌الله حاج آقا نصرالله شاه‌آبادی به درس ایشان رفتند و این خیلی برای نجفی‌ها مسئله بود، که چه افرادی به درس امام می‌روند؟ یک عده از فضلای حوزه مثل: آقای شاه‌آبادی، آقای سیدعباس خاتم‌یزدی، آقای شیخ حسین راستی کاشسانی، آقای شیخ غلامرضا رضوانی، آقای شیخ ابراهیم جناتی در درس امام حاضر شدند و از آن جانب‌داری کردند. رابطه نزدیک آقای شاه‌آبادی با حضرت امام موجب شده بود که در حتی‌الامکان جلوی برخی از تضادهایی که به‌دخواهان می‌خواستند ایجاد کنند گرفته شود، گر چه نتوانستند به طور کامل خواست خود را عملی کنند. علاوه بر این نفوذ ایشان در حوزه نجف، در موارد دیگری هم به کار آمد. آقای شاه‌آبادی در حوزه علمیه قم و نجف، نه تنها برای ایرانیان بلکه حتی برای غیر ایرانیان دفاع می‌کرد، کما اینکه در زمان حیات حضرت امام هم همین‌طور بود. نسبت به مقام معظم رهبری هم بسیار متواضع بود و در هر شش‌ریبطی از ایشان حمایت می‌کرد. اینکه به مجلس خبرگان رهبری وارد شد و پیشنه‌هاد برخی دوستان را پذیرفت به همین خاطر بود که واقعاً پایبند به انقلاب و نظام بود…»

▼ **هماره در بی این بود که مخالفان را جذب انقلاب و امام کند**

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسین کشفی، نواده زنده یاد آیت‌الله حاج شیخ نصرالله شاه‌آبادی و تدوینگر خاطرات آن فقید سعید، در باب حمایت‌های وی از نظام اسلامی و تلاش پیگیرش برای جذب مخالفان به انقلاب و رهبری آن، تحلیلی شنیدنی دارد. وی در این باره آورده است:

«هم‌ترین ویژگی‌ای که در سراسر زندگی ایشان دیده می‌شود، مسئله خدایابوری است. منظور شان از خدایابوری هم این بود که بدانیم آن کسی که زندگی ما را اداره می‌کند و روزی ما را می‌سازد، تنها خدای متعال است و باید به او توکل کرد. نمره مهم خدایابوری را هم، آرامش در زندگی می‌دانستند و به حدیث امام صادق(ع) نیز استشهاد می‌کردند که فرمودند: عَلِمْتُ أَنَّ رِزْقِي لَا يَأْكُلُهُ غَيْرِي فَأَطْمَئِنْتُ، وقتی باور کردیم و دانستیم که روزی من را دیگری نمی‌خورد و خداوند متعال متکفل روزی من هست، از این آرامش پیدا کردم. این مسئله خدایابوری و اتکا به ساحت ایزدی، اساسی‌ترین شاخصه عرفانی آیت‌الله حاج آقا نصرالله شاه‌آبادی بود. هم در مقام عمل یک عالم خدایاور بود و هم به دیگران مکرر توصیه می‌کرد. نوع سخنرانی‌های ایشان هم، حول محور و تبیین همین مسئله خدایابوری بود. یک وقتی من تشریف فرست تا برای ایشان، سایت اینترنتی تشکیل دهم. طراح سایت به من گفت: خوب است که حاج آقا یک جمله بنویسند، تا ما بتوانیم در بالای سایت این نوشته‌ها را بیابیم. من هم این تقاضا را از ایشان کردم. مرحوم جدم نیز بلافاصله قلم و کاغذ خواستند و نوشتند: بسم‌الله الرحمن الرحیم. حقیقت اسلام ناب محمدی (صلی‌الله علیه و آله وسلم) خدایابوری است و لاغیر، اَلَيْسَ اللهُ بِكَلِمَةٍ عَظِيمًا… همچنین در تقریظ کتاب حدیث‌نصر هم نوشتند: زندگی هر انسانی، پر از فراز و نشیب‌ها است. پیروزی و شکست‌ها و نعمات و ایثانات است. آنچه در تمامی این مراحل موجب آرامش است.

خدایابوری است. همه ما وظایفی عرفی و شرعی داریم که باید انجام دهیم، اما گرداننده زندگی و روزی‌رسان، خداوند متعال است. حقیر در طول دوران زندگی‌ام، از سال‌های سخت‌فقدان مرحوم پدرم تا تحصیل در حوزه نجف اشرف و ازدواج …، با تمام وجود لمس کردم که زندگی من به دست حضرت تعالی است و غرض مهم از بیان خاطرات زندگی‌ام، انتقال این معنی به همه خوانندگان به‌ویژه جوانان عزیز بوده است… مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی، یک انقلابی به تمام معنا هم بودند و به انقلاب اسلامی و حضرت امام و مقام معظم رهبری عشق می‌ورزید و به این مسئله تا آخر حیات مبارکش پایبند بود. البته در روش سیاسی ایشان، اصل جذب حداکثری و دفع حداقلی ظهور و بروز زیادی داشت. با اینکه عاشق امام بودند، بر خور دشان با مخالفین انقلاب، به نحوی بود که آنان را جذب انقلاب می‌کرد و لذا در اعلامیه‌ای که در اوج انقلاب توسط ایشان تنظیم شده است و علما و روحانیت تهران آن را امضا کرده‌اند، نام افرادی را می‌بینیم که در سایر اعلامیه‌ها موجود نیست! به یاد دارم مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی می‌فرمودند: بعضی از دوستان انقلابی برای امام و انقلاب دشمن درست می‌کردند و به جای اینکه جاذبه داشته باشند، همواره دافعه داشتند. با هر آخوندی که همراه انقلاب نبود، برخورد تند داشتند و آنها را از مسجد اخراج می‌کردند؛ به یکی از مسئولان آن زمان گفتم: چرا شما همیشه دافعه دارید؟ کسی هم جاذبه داشته باشید. گفت: جاذبه‌اش با شما دافعه‌اش با ما! گفتم: اتفاقاً آن کس که در رأس است و قدرت دارد، باید جاذبه داشته باشد. نقل شده است که پیامبر(ص) بر روی شمشیر امیرالمومنین(ع) این توصیه را نوشته بودند: جل من طعنه و أحسن إلی من أساء إلیک… این یعنی در وقت قدرت باید احسان کرد و به مخالف توجه داشت…»

▼ **آیت‌الله حاج شیخ نصرالله شاه‌آبادی در کنار سرانشکری قاسمی ظهیرنژاد**

